

معلمان دوشغله و بیسوادی دانش‌آموزان؛ چالش‌هایی از زبان یک سرباز معلم

نابسامانی در آموزش و پرورش بر کسی پوشیده نیست اما بیان برخی از این چالش‌ها از سوی جوانی که ۲ سال به عنوان «سرباز معلم» در مناطق حاشیه‌ای تهران خدمت کرده، جالب توجه است.

به گزارش ایسکانیوز و به نقل از مهر سرباز معلم‌ها معمولاً به مناطق دورافتاده یا کمتر توسعه یافته فرستاده می‌شوند اما اطراف شهر تهران مناطقی هست که از نظر توسعه یافتگی تفاوت چندانی با نقاط دورافتاده کشور ندارد. مهدی یکی از جوانانی است که ۲ سال تحصیلی را در این مناطق به عنوان سرباز معلم خدمت کرده است و حالا برخی از تجربیات او از نظام آموزش و پرورش جالب توجه است.

این سرباز معلم که حالا دوره خدمت خود را به پایان رسانده است، در مورد ورود خود به دوره سرباز معلمی می‌گوید: وضعیت به شکلی است که معلمان تمایل چندانی برای حضور در مدارس مناطق حاشیه‌ای پایتخت ندارند و سکونت و اشتغال در تهران را ترجیح می‌دهند. دقیقاً به همین دلیل طی سالهای گذشته همواره ظرفیت‌های خالی در مدارس شهرها و شهرک‌های اطراف تهران وجود دارد. این ظرفیت خالی توسط سرباز معلمها تکمیل می‌شود. سرباز معلم‌ها پس از گذراندن مهارت‌های آموزشی، یک دوره ۲۴۰ ساعته را در طول تابستان طی می‌کنند و از مهرماه به عنوان معلم سر کلاس حاضر می‌شوند.

ناصر جعفرزاده در این گزارش می‌نویسد: او که در یکی از مدارس دورافتاده شهرستان شهریار به عنوان سرباز معلم مشغول کار شده، در مورد نگاه خود به معلمی و فاصله این تصور با واقعیت، معتقد است: در نگاه اول همه چیز آرمانی است و برای مخاطبی که از بیرون به قضیه نگاه می‌کند همه امور عقلانی و منطقی به نظر می‌رسد. به ویژه شغل معلمی که با فرهنگ سازی و تربیت کودکان ارتباط مستقیم دارد، این تصور را ایجاد می‌کند. البته همینطور هم هست اما استثنائاتی وجود دارد. مواردی را داشتیم که معلمان حتی مشکل اخلاقی داشتند. اینها افرادی بودند که معلمی را فقط به عنوان یک شغل یا منبع درآمد می‌دیدند و مدرسه برای آنها فرقی با حجره بازار یا کارمندی نداشت. این مساله آسیب زیادی را به سیستم آموزش و پرورش وارد می‌کند.

معلمان باید امنیت اقتصادی داشته باشند

مهدی در مورد تجربه خود از چالش‌های معلمی، نبود امنیت اقتصادی را از جمله دلایل بروز مشکلات می‌داند و اظهار می‌کند: معلمان باید مثل همه اقشار جامعه در رفاه نسبی زندگی کنند و درآمد مکفی داشته باشند اما بدون استثنا همه معلمان که من با آنها ارتباط داشتم از درآمد خود ناراضی بودند و این نارضایتی تاثیر خود را بر ارتباط با مدرسه و دانش‌آموزان می‌گذارد. شرایط نامطلوب اقتصادی موجب مرگ انگیزه معلمان می‌شود در حالی که حساسیت‌ها روی شغل معلمی خیلی زیاد است و دستکم ۳۰ دانش‌آموز یک کلاس بیشترین ساعات خود را تحت تاثیر معلم هستند. تجربه من نشان داد که دانش‌آموزان معلم خود را به اندازه پدر و مادر الگو می‌دانند و نگاه دانش‌آموز به معلم همانند کسی است که هیچ خطایی نمی‌کند و هرآنچه انجام می‌دهد مصداق رفتار درست است. این در حالی است که قریب به اتفاق معلمان که با آنها همکار بودم بعد از ظهرها شغل دوم داشتند و فرصتی برای مطالعه و ارتقای علمی پیدا نمی‌کردند.

این سرباز معلم در ادامه می‌گوید: مدرسه ما در سال اول دوره سرباز معلمی من ۸ کلاس داشت و من در بدو ورود، معلم پایه ششم یعنی

پایه آخر ابتدایی شدم. در مجموع مدت ۱۸ ماه یعنی ۲ سال تحصیلی سرباز معلم بودم اما دانش آموزان یا اولیا اطلاع نداشتند که من سرباز معلم هستم. اینطور نبود که جز همکاران کسی اطلاع داشته باشد چون تصور این است که والدین به سرباز معلم اعتماد نمی کنند و او را به چشم فردی بی تجربه می بینند که فقط به دنبال طی دوران سربازی است. اگر داغ سرباز معلمی روی پیشانی کسی بخورد حتی توان اداره کلاس و دانش آموزان را از دست می دهد.

وی معتقد است: در دوره ابتدایی به ظاهر نیاز به تخصص ویژه ای نیست و ارتباط موثر با دانش آموزان بیشترین تاثیر را در موفقیت معلم و دانش آموزان دارد. مانوس شدن با دانش آموزان سبب می شود که علاوه بر کنترل کلاس، دانش آموزان شوق به آموختن پیدا کنند. تجربه من نشان داد معلمان با ۲۰ سال سابقه شور و نشاط لازم برای برقراری ارتباط مناسب با دانش آموزان را ندارند. همچنین فاصله سنی زیاد سبب می شود درک مناسبی از روحیات بچه ها نداشته باشند. از این نظر امتیازی که سرباز معلمها دارند همین فاصله سنی کم با دانش آموزان است.

تنبیه دانش آموزان هنوز در مدارس رایج است

مهدی با انتقاد از شیوه برخورد برخی معلمان با دانش آموزان ادامه می دهد: برخورد معلمان با دانش آموزان گاهی توأم با خشونت است. ما یاد گرفته ایم دانش آموزی که درس نمی خواند را با کتک و تنبیه کنترل کنیم. این مساله اگرچه در سالهای اخیر کمتر شده است، اما بعضا در این دو سال شاهد تنبیه دانش آموزان از سوی معلمان بودم و خشونت هنوز مهمترین ابزار کنترلی برای معلمان دستکم در مدارس بود که در آنها خدمت کردم.

این سرباز معلم یکی از چالش های نظام آموزش و پرورش را موضوع پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می داند و می گوید: در هر کلاسی دانش آموزان با استعدادهای مختلف حضور دارند. اینکه ما انتظار داشته باشیم شرایط تحصیلی همه مشابه باشد دور از انتظار است. از یک کلاس ۳۰ نفره ممکن است ۵ نفر در سطح عالی باشند، ۱۰ نفر خوب، ۱۰ نفر متوسط و بقیه ضعیف باشند. این طبیعی است اما در کلاس من در پایه ششم ابتدایی چند نفر از دانش آموزان در حد صفر مطلق بودند به طوری که حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند. دانش آموزانی بودند که با گذراندن ۶ پایه، هنوز حروف الفبا را بلد نبودند و تفاوت الف و ب را نمی دانستند. این دانش آموزان از نوشتن یک کلمه با مفهوم عاجز بودند. این مساله به قدری واضح بود که از همان روزهای نخست حضورم در کلاس متوجه شدم و با یکی دو سوال و جواب کوتاه متوجه سطح تحصیلی دانش آموزان شدم زیرا برخی از آنها توانایی معرفی خود را نداشتند. با گذشت یک ماه از سال تحصیلی و برگزاری یک آزمون درون کلاسی عمق فاجعه بیشتر مشخص شد زیرا در آزمون کتبی متوجه شدم که ۳ دانش آموز به هیچ سوالی پاسخ نداده اند و تنها به سوالات ۴ گزینه ای با علامت ضربدر پاسخ داده اند که آن هم براساس شانس و اقبال بوده است. آنها در جواب سوالات جای خالی کلماتی بی مفهوم مثل الخت یا تابرت نوشته بودند. با کمی سوال و جواب متوجه شدم این دانش آموزان علاوه بر اینکه پاسخ سوالات را نمی دانند، اصلا نمی توانند صورت سوالات را بخوانند. ۳ دانش آموز این شرایط را داشتند. البته دانش آموزانی هم بودند که شرایط تحصیلی بسیار خوبی داشتند اما وجود دانش آموزان پایه ششم که سواد خواندن و نوشتن نداشتند برایم شوک آور بود.

مهدی در مورد پیشرفت علمی دانش آموزان بی تفاوت نبود و مراتب را به مسئولان مدرسه و حتی مدیران آموزش و پرورش منتقل کرده است. خودش توضیح می دهد: مساله را با مدیر و مسئولان مدرسه مطرح کردم اما هیچیک توجهی نداشتند و توجیهشان این بود که اگر دانش آموزی را در پایان سال تحصیلی رد کنیم تبعاتی برای معلم و مدرسه دارد. معتقد بودند اگر دانش آموزی می توانست پیشرفت کند تا به حال آموخته بود و اگر پیشرفتی نداشته باید به حال خود رهاش کنیم زیرا تلاش ما بی نتیجه است و کاری از دست یک سرباز معلم بر نمی آید. وقتی بیشتر اصرار کردم من را تهدید کردند که در حال بر هم زدن جو مدرسه هستم و بهتر است با آرامش ۲ سال سربازمعلمی را

بگذرانم و بروم. پس از آن موضوع را به صورت حضوری با یکی از معاونان وزیر آموزش و پرورش وقت عنوان کردم. حتی برگه های امتحانی دیکته و ریاضیات دانش آموزان را به عنوان مدرک به ایشان دادم. ایشان قول رسیدگی دادند و یک هفته بعد بازرسانی از وزارت آموزش و پرورش به مدرسه آمدند و کلاس من و چند کلاس دیگر را مورد ارزیابی قرار دادند و گزارش سطح علمی مدرسه را تهیه کردند.

وی ادامه می دهد: بازخوردی از این گزارش ندیدم و تنها نتیجه ملموس آن ایجاد مشکلاتی برای من بود. مدتی بعد از آمدن بازرسان، به اداره آموزش و پرورش منطقه احضار شدم. با دلایل و بهانه هایی من را در میانه سال تحصیلی تهدید به تغییر مدرسه و انتقال به روستاهای دورافتاده کردند. البته بعید می دانم آقای معاون در جریان این قضایا قرار گرفته باشند اما وقتی مسئولان منطقه با مخالفت و مقاومت من مواجه شدند از من خواستند خیلی از مسایل را مطرح نکنم زیرا به عواقبش نمی ارزد. البته بعدها شنیدم که معاون وزیر وجود سربازمعلمها را عامل افت تحصیلی دانش آموزان اعلام کردند و در واقع همه تقصیرها به گردن سربازمعلمها افتاد. من از اینجا به ایشان می گویم که دانش آموزانی که ۵ پایه را با معلمان رسمی آموزش و پرورش گذرانده است، چطور مقصر بی سواد می او سربازمعلمی است که در پایه ششم هدایت آنها را به دست گرفته است؟ نتیجه پیگیری من در نهایت می توانست این باشد که معلم باید در طول تابستان و تعطیلات برای تقویت دانش آموزان در مدرسه حاضر شود و کمتر معلمی حاضر است تعطیلات خود را خراب کند تا به دانش آموزان تمرین دهد تا به سطحی از پیشرفت تحصیلی برسند. حتی به من گفتند در نهایت دانش آموز پایه تحصیلی را طی می کند پس اصرار بر آموزش بیشتر به آنها بی دلیل است. در عمل هم همین اتفاق افتاد و همه دانش آموزان قبول شدند و به پایه بالاتر رفتند. برخلاف میل باطنی مجبور شدم آن ۳ دانش آموز را با نمره قابل قبول به سطح بالاتر بفرستم. شاید به این نتیجه رسیدم که حرف مدیران مدرسه منطقی است و دانش آموزی که تا پایه ششم چیزی نیاموخته، دیگر امیدی به آموزش وی نیست.

این سربازمعلم مشکل اصلی را در عدم پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فقر فرهنگی در مناطق یاده شده می داند و می افزاید: والدین دانش آموزان در جریان مسایل فرزندانشان بودند اما وضعیت فرهنگی منطقه به شکلی بود که والدین خیلی پیگیر وضعیت تحصیلی بچه هایشان نبودند. دانش آموزانی داشتم که اصلا تکالیف خود را انجام نمی دادند و از سوی خانواده هم هیچ فشاری روی آنها نبود. در جلسات ماهانه با اولیا موضوع را مطرح می کردم اما نمی پرسیدند فرزندشان در مدرسه چه می کند یا چه چیزی یاد گرفته است. هیچ ابزاری غیر از روابط صمیمانه برای هدایت دانش آموزان نداشتیم. وقتی دانش آموزی تکلیف خود را نمی نویسد در مرتبه اول جریمه می شود و این جریمه چند بار تکرار می شود اما دانش آموز کمترین توجهی نمی کند؛ اولیا هم اهمیتی نمی دهند. در این شرایط از دست معلم چه کاری ساخته است؟

وی می گوید: سال اول با قبولی همه دانش آموزان تمام شد. اما سال دوم زمینه کاری مدرسه مورد نظر تغییر کرد و مدرسه به پایه راهنمایی یا همان متوسطه اول تغییر کاربری داد و من به یک مدرسه در مناطق مسکن مهر شهریار منتقل شدم و کلاس دوم به من سپرده شد. این مدرسه تا حدی کودکانه تر بود چون فقط مقطع اول، دوم و سوم را پوشش می داد. محیط صمیمانه تر بود و از سوئی انتظار از دانش آموزان پایه دوم به مراتب کمتر از پایه ششم است اما در این کلاس هم ۲ نفر خواندن و نوشتن را بلد نبودند و در طول سال تحصیل هم پیشرفت چندانی نداشتند. اختلاف سطح تحصیلی بین دانش آموزان به قدری بود که نمی توانستم کل کلاس را برای جبران عقب افتادگی ۲ نفر تعطیل کنیم.

این سربازمعلم معتقد است: مهمترین چالش دوره ابتدایی موضوع نمره است. سیستم توصیفی هم نقاط ضعف و قوتی دارد. این روش از جهتی درست است زیرا روح لطیف دانش آموزان ظرفیت رقابت بر سر نمره را ندارد. این شیوه، ایجاد رقابت کاذب بین دانش آموزان را از بین برده است و حسادت میان دانش آموزان کمرنگ شده است اما از جهتی نبود رقابت میان دانش آموزان سبب افت تحصیلی آنها می شود زیرا انگیزه کودک را می خشکاند. در شیوه توصیفی تفاوتی میان دانش آموزان با هر سطح سواد وجود ندارد؛ اگرچه فشار خانواده ها

روی دانش آموزان برای کسب نمره ۲۰ را از بین برده و این یک مزیت است. بسیاری از خانواده مفاهیم سیستم توصیفی را نمی دانند. به عنوان مثال مفهوم قابل قبول برای آنها روشن نیست و باید بگوییم که قابل قبول تقریباً معادل نمره ۱۰ در نظام نمره دهی کمی است. در گذشته نمره شفاف بود اما امروز با گفتن اصطلاح خوب که چیزی معادل ۱۴ تا ۱۶ است والدین گمان می کنند، فرزندشان وضعیت خوبی دارد در حالی که شرایط متوسطی را دارد.

۷۰۰۷۰۰